



بررسی مولفه‌های برنامه ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج‌البلاغه

محمد رضا امینی*^۱

۱- نویسنده مسئول، طلبه سطح سوم حوزه علمیه امام حسین تهران

چکیده

هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگی که در آن جامعه وجود دارد، برای پیشرفت و توسعه خود، نیاز به داشتن مدیرانی متعهد و متخصص دارد؛ در این میان، غرب از شیوه مدیریت غیراسلامی و غربی بهره می‌گیرد و کشورمان نیز مطابق با فرهنگ جهادی اسلامی و با بهره‌گیری از اصول و قواعد اسلامی و فرهنگ انقلابی، از شیوه مدیریتی جهادی استفاده می‌کند. از نمونه‌های آشکار مدیریت جهادی در تاریخ صدر اسلام می‌توان به امام علی علیه‌السلام و شیوه مدیریت ایشان اشاره کرد که همواره برای مدیران جهادی یک الگوی مناسب است. مدیریت جهادی در نهج‌البلاغه به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اصول مدیریتی اشاره دارد که بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) شکل گرفته است. در این پژوهش، با نگاهی دقیق به نهج‌البلاغه می‌توان به مولفه‌های مدیریت جهادی پی برد. از متغیرهای مدیریت جهادی طبق بیانات گهربار حضرت امیرالمومنین امام علی علیه‌السلام می‌توان به وظایف مدیریتی شامل برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل عملکرد اشاره کرد؛ با این حال، در پژوهش حاضر، هدف اصلی، آشنایی و شناخت مولفه‌های برنامه‌ریزی در مدیریت جهادی در نهج‌البلاغه بوده و پرسش اصلی این است که مولفه‌های برنامه ریزی در مدیریت جهادی در نهج‌البلاغه چیست؟ با نگاهی کلی به یافته‌های پژوهش، این نتیجه به دست می‌آید که از منظر نهج‌البلاغه مولفه‌های برنامه‌ریزی در مدیریت جهادی شامل، خدامحور بودن، علمی بودن، مقتدر بودن، زمان‌شناسی، نظم و انتظام در کارها، هدفمند بودن، و غیره است.

واژگان کلیدی: مولفه‌های برنامه ریزی، مدیریت، جهادی، مدیریت جهادی، نهج‌البلاغه.



(۱) مقدمه

وجود مدیران متعهد و متخصص در جوامع اسلامی اهمیت فراوانی دارد و نشان می‌دهد که هر جامعه باید متناسب با فرهنگ خود از شیوه‌های مدیریتی مناسب خود استفاده کند. کشورهایی مانند غرب از شیوه‌های مدیریتی غیراسلامی بهره می‌برند، در حالی که در کشور ما اصول اسلامی و فرهنگ جهادی متداول است. امام علی علیه‌السلام به عنوان یک الگوی برجسته در مدیریت جهادی معرفی است و بیانات و شیوه‌های مدیریتی ایشان می‌تواند الهام‌بخش مدیران باشد. به همین دلیل، بررسی مولفه‌های مدیریت جهادی در نهج‌البلاغه اهمیت فراوانی دارد و کشف و شناسایی و بهره‌مندی از وظایف مدیریتی از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل عملکرد به تربیت مدیران متعهد و متخصص در جوامع اسلامی کمک می‌کند. با این حال، سؤالی که در این پژوهش با نگاه به نهج‌البلاغه مطرح شده است، این است که مولفه‌های برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی چیست؟ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، آشنایی و شناخت مولفه برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج‌البلاغه است که این آشنایی و شناخت و بهره‌گیری از آن، می‌تواند به تربیت مدیران اسلامی کمک کند.

انجام این تحقیق به دلایل متعددی ضروری است. اولاً، با توجه به نیاز جوامع اسلامی به مدیران متعهد و متخصص، این پژوهش می‌تواند به شناسایی و تقویت مولفه‌های برنامه‌ریزی مدیریت جهادی کمک کند که به توسعه و پیشرفت جامعه منجر می‌شود. همچنین، بررسی این شیوه‌ی مدیریتی امام علی علیه‌السلام به عنوان یک الگو می‌تواند در عرصه برنامه‌ریزی اصولی، راهنمایی‌های ارزنده‌ای برای مدیران امروز فراهم کند. در دنیای معاصر که شیوه‌های مدیریتی غربی غالب شده‌اند، این تحقیق به دنبال ارائه مفهوم مدیریتی جهادی است که با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی همخوانی داشته باشد. علاوه بر این، پژوهش به بررسی عمیق محتوای نهج‌البلاغه می‌پردازد و به غنای ادبیات مدیریتی اسلامی می‌افزاید. در نهایت، شناسایی مولفه‌های برنامه‌ریزی مدیریت جهادی می‌تواند به تربیت مدیران اسلامی که با اصول و ارزش‌های دینی آشنا هستند، کمک کند و در نتیجه به بهبود عملکرد سازمان‌ها و نهادها بپردازد. این تحقیق به طور کلی می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر برای مدیران و پژوهشگران در زمینه مدیریت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش‌های فراوانی در مورد مدیریت جهادی و مولفه‌های مربوط به آن صورت گرفته است؛ با این حال، محقق در پژوهش حاضر به صورت کلی در مورد مولفه‌های برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج‌البلاغه پرداخته است؛ با این حال، برخی از پژوهش‌های انجام شده در مورد مدیریت جهادی، عبارتند از:

(۱) بانکی‌پورفرد. علیرضا، کتاب «مدیریت جهادی»، انتشارات حدیث راه عشق، اصفهان، ۱۳۹۴: این کتاب شامل مجموعه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری درباره مدیریت جهادی است.

(۲) احمدزاده. سیدمرتضی و همکاران، کتاب «درآمدی بر مدیریت جهادی»، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۹۴: این کتاب بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، سیره حضرت امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب



(مدظله‌العالی) و سیره مکتوب فرماندهان شهید در انقلاب و دفاع مقدس تألیف شده است. همچنین، به تشریح سه سطح مدیریت شامل «مدیریت خود»، «مدیریت خانواده» و «مدیریت سازمان» پرداخته و ابزارها و روش‌های لازم برای دستیابی به مدیریت موفق در خود و سازمان‌ها را ارائه می‌دهد.

(۳) علی‌پور. حامد، رئیسی‌نرگسان. زهرا، «بررسی مدیریت جهادی در اسلام (مدیریت اسلامی)»، اولین همایش سالانه مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران، ۱۳۹۶: در این مقاله، تلاش شده است تا از تجربیات شخصی نویسندگان و سخنان شخصیت‌های برجسته کشوری در زمینه جهاد بهره‌برداری شود. همچنین، کوشش شده تا با استفاده از مستندات مرتبط، به هدف پژوهش برسد. در ابتدای پژوهش، مفهوم فرهنگ جهادی و مدیریت اسلامی مطرح شده است؛ سپس، به بررسی مدیریت جهادی و شاخص‌ها و عناصر آن پرداخته شده است.

(۴) عبدی. بهنام، طاهری هشی. علی، «مفهوم‌پردازی مدیریت جهادی در پرتو قرآن کریم»، مجله مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۱۸، ۱۳۹۴: این مقاله به بررسی مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی پرداخته است. رویکرد پژوهش استقرایی بوده و با استفاده از تئوری داده بنیاد، مضامین و ابعاد مدیریت جهادی استخراج شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مواردی مانند قرب الهی، توکل، حقیقت‌گرایی، سرعت عمل، اطاعت‌پذیری، پیشگامی، هماهنگی گفتار و عمل، هدایت‌گری، سعه‌صدر، جلوگیری از سوءاستفاده از مقام و عدم ترس و ناامیدی در موقعیت‌های مختلف از جمله نکات کلیدی در این زمینه هستند.

(۵) عباسی‌بختیاری. رضا، و همکاران، «مدیریت جهادی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، مجله رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره اول، شماره ۴، ۱۴۰۰: هدف اصلی این مقاله، بررسی ابعاد مدیریت جهادی از منظر نهج‌البلاغه بوده است. این تحقیق به تحلیل صفات مدیران و تعامل آن‌ها با مردم و همکاران پرداخته و ویژگی‌های کلیدی مدیریتی را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش، به‌صورت کیفی و بر اساس نظریه داده بنیاد انجام شده و مضامین و ابعاد مدیریت جهادی استخراج شده‌اند. یافته‌های آن نشان می‌دهند که مواردی همچون قرب الهی، توکل، دوراندیشی، واقع‌گرایی، عقلانیت، تقویت وحدت، مدیریت استراتژیک منابع انسانی و علم و فناوری، خودارزیابی و بهبود مستمر، و در نظر گرفتن مدیریت به‌عنوان یک آزمون، از مهم‌ترین جنبه‌های مدیریت جهادی به شمار می‌آیند.

(۲) روش تحقیق

این پژوهش یک پژوهش کیفی و کتابخانه‌ای است که در آن پژوهشگر با استفاده از مرور منابع مطالعاتی در دسترس و از طریق یادداشت‌برداری و چک لیست، به توصیف موضوعی پژوهش پرداخته است.



۳) مفهوم شناسی

۳-۱) مدیریت

برای واژه «مدیریت» تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در واقع «مدیر» به معنای کسی است که گروهی را به جهت رسیدن به هدفی مشترک اداره نموده و هماهنگ می کند. اگر چه در جامعه ما در معنای راهنما، رهبر و مرشد نیز به کار رفته است (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۲۵). در برخی از تعاریف نیز معنای مدیریت را با شمردن وظایف مدیر تبیین می نمایند و می گویند: مدیر کسی است که اموری چون: برنامه ریزی، سازماندهی، تأمین نیروی انسانی، هدایت و کنترل را بر عهده دارد. (وی بریج و کونتز، ۱۳۸۶: ص ۴)

دو واژه مدیر و مدیریت، در لغت نامه به ترتیب به معنای «اداره کننده» و «اداره کردن» است؛ همچنین، واژه مدیر به معنای کسی است که گرداننده است و می تواند یک مجموعه را رهبری و هدایت بکند (انصاری راد، ۱۳۹۳: ش. ۱۷۱۳۴۶). لذا می توان گفت که مدیر، به معنای گرداننده و مدیریت نیز به معنای گرداندن یک سازمان، شرکت، اداره، شهر و یا... در راستای تحقق اهداف مختص به خودش است؛ مدیریت مطلق، قریب الاقرب با وظایف روابط عمومی می باشد؛ زیرا پیش از تنظیم علوم مدیریت و شکل گیری آن، برای اداره امور مرتبط با کشورداری، از روابط عمومی استفاده می شده است (لطفی، ۱۳۹۱: ص ۱۰).

برخی بر این باور هستند که علم مدیریت، علم و هنری است که طی آن برای تحقق اهداف مطلوب با حداکثر کارایی، به هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های جمع یا گروه می پردازد (اقتداری، ۱۳۹۲: ص ۶۱).

مدیریت، در هر جامعه، شامل فرآیند استفاده کارا و تاثیرگذار منابع مادی و انسانی زیر نظام ارزشی پذیرفته شده آن جامعه می باشد و طی آن بر اساس هدف های از پیش تعیین شده، اصول و قواعدی مانند سازماندهی، برنامه ریزی، بسیج امکانات و منابع، هدایت، رهبری، کنترل و نظارت در نظر گرفته می شود (رضاییان، ۱۳۹۸: ص ۲۹).

در حقیقت، در نظام های ارزشی منظور از مدیریت، همان فرآیند بهره گیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی است که خود را در قالب سازماندهی، برنامه ریزی، بسیج امکانات و منابع، رهبری، هدایت و کنترل نشان می دهد؛ این شیوه مدیریتی، در راستای به دست آوردن اهداف سازمانی صورت می گیرد و طی آن، این اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قبول در نظر گرفته می شود (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۶: ص ۳).

۳-۲) جهاد

جهاد از ریشه «جهد» گرفته است و منظور از جهد با فتح «جیم»، مشقت و سختی و جهد با ضم «جیم»، کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاق است (راغب، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۱). از کلمه «جهد» می توان به معنای طلب کردن نیز یاد کرد به نحوی که به مطلوب برسد؛ همچنین، مفهوم «اجتهد»، بذل وسع و طاقت در طلب می باشد در صورتی که به ایصال به مطلوب موجب



شود (مصطفوی، ۱۳۷۱، ۱۴۹)؛ بنابراین، این مطلب ساطع می‌شود که در واژه «جهاد» مفاهیم مشقت، سختی، نیرو، طاقت، طلب و مطلوب، صبر و بذل طاقت برای دستیابی به مطلوب مندرج است. در فرهنگ معین نیز در مورد جهاد مفاهیم مختلفی ارائه شده است؛ در حقیقت، در فرهنگ معین از جهاد به معنای جنگیدن و جنگ کردن در راه حق و غیره سخن گفته شده است. همچنین، به دو جهاد اصغر و اکبر نیز اشاره شده است که منظور از جهاد اصغر همان جهاد کوچک است و شامل جدال با کافران می‌باشد؛ مقصود از جهاد اکبر نیز همان جهاد بزرگ است و جهاد با نفس را در برمی‌گیرد (فرهنگ معین، ج ۱: ص ۱۲۵۷).

۳-۳) مدیریت جهادی

مدیریت جهادی، فقط یک شیوه و روش مدیریتی نیست؛ بلکه عرصه‌ای است که تفکر جهادی، روحیه جهادی و دیگر مولفه مربوطه آن را از سایر مکاتب مدیریتی جدا می‌سازد (رشیدی اقدم و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۳۵). در واقع، «مدیریت جهادی» عبارت است از: «تلاشی بی وقفه در به کارگیری مؤثر و کنترل فعالیت‌های افراد، که مبارزه با نیت الهی در تمام عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...، جهت نیل به اهداف والای جامعه و رفع موانع موجود صورت می‌گیرد.» در این زمینه مدیر جهادی با عشق و ایمان به خدا، خستگی ناپذیری، و با گام‌هایی بلند و پر شتاب که حرکتش توأم با تدبیر و بصیرت و دشمن‌شناسی، است با گذر از موانع پیش روی یکی پس از دیگری، به سوی ایجاد تمدن اسلامی به پیش می‌رود. (باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۸۷-۱۰۸).

به عبارت دیگر، منظور از «مدیریت جهادی»، تلاش پیوسته و مداوم در راستای استفاده کارا، مؤثر و کاربردی و کنترل فعالیت‌های افراد و جامعه می‌باشد؛ در واقع، این تلاش پیوسته با نیت الهی همراه است و مبتنی بر مبارزه در کل زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و غیره می‌باشد. توجه داشته باشید که مدیریت جهادی، مدیریت به سبک اسلامی است که با نیت الهی همراه است و مدیران در این نوع از سبک مدیریتی، با توکل محوری و کمک خواستن از خداوند متعال، با سعی و کوشش بدون وقفه، برای دستیابی به اهداف والای جامعه و رفع موانع موجود حرکت می‌کنند (کریم‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۲).

در حقیقت، مدیریت جهادی به گونه‌ای است که طی آن، تمامی استعدادهای فردی و بن‌مایه‌های دینی و خصوصیات سازمانی مدیر جهادی سمت و سوی مشخصی دارد و هدف معینی را دنبال می‌کند. این سبک مدیریتی، از دل فرهنگ جهادی برخاسته است و بذل طاقت، صبوری در هنگام مواجهه با مشکلات و موانع و تحمل سختی‌ها و مشقت و غیره از شاخص‌های این نوع از مدیریت می‌باشد. مدیریت جهادی، همواره از «قدرت تفکر و تعقل» و «علم و دانش» بهره می‌گیرد و با در نظر گرفتن تقوا و ایمان و فعالیت‌های مومنانه و تقوا مدارانه، سعی در رعایت سلسله مراتب و الگوپذیری دینی دارد و با توکل به خدا و یاری خواستن از او و با تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و هدف گذاری مقدس، به سمت



اهداف خاص با ریشه‌های خداپسندانه قدم می‌گذارد که می‌توان گفت به شخصیت فردی، دینی و سازمانی مدیر وابسته است (نعمتی، ۱۳۹۳: ص ۸۹).

خصوصیات فردی شامل بهره‌مندی از صلابت و نرمی، قوه تشخیص، مسئولیت‌شناسی، پرهیز از خشونت و عاقبت‌اندیشی می‌باشد؛ همچنین، خصوصیات دینی نیز شامل توکل محوری، تقوا مداری، اخلاص، اعتدال و اهتمام بر رشد و تعالی است؛ خصوصیات سازمانی نیز شامل امیدآفرینی، عدالت محوری، ایجاد فضای رقابتی و تشویق، اعتمادسازی، ایجاد آرامش و رضایتمندی، ارتقای کیفی و کمی معاش و رعایت چارچوب‌های کاری و مسئولیتی است؛ این موارد یاد شده، تاثیر فراوانی در تحقق مدیریت جهادی مبتنی بر تعالیم قرآن و عترت دارند (نعمتی، ۱۳۹۳: ص ۹۰).

۴- مولفه‌های برنامه‌ریزی در مدیریت جهادی از منظر نهج‌البلاغه

امام علی علیه‌السلام در مورد برنامه‌ریزی می‌فرماید: «امارات الدول انشاء الحیل؛ بقای مناصب و دولتها، برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است» (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۱)؛ چون برنامه‌ریزی مانعی برای ابراز ندامت و پشیمانی است و به انسان تدبیر و چاره می‌دهد. و «التدبیر قبل العمل يؤمنک من الندم؛ آینده‌نگری پیش از آغاز کار تو را از پشیمانی ایمن می‌کند» (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۸)؛ همچنین، برنامه‌ریزی حلال مشکلات است. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «من قعد عن حیلته اقامته الشدائد؛ کسی که چاره‌اندیشی را رها کند، با شداید درگیر خواهد شد» (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۱) از دیگر فوائد برنامه‌ریزی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام این است که برنامه‌ریزی شیوه بهره‌مندی درست از امکانات را فراهم می‌نماید. «التلطف فی الحیلة اجدی من الوسيلة؛ ظرافت و دقت در برنامه‌ریزی، بهتر از امکانات است» (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۱).

با تدبیر در بیانات گهربار امام علی علیه‌السلام می‌توان این گونه دریافت که آن حضرت برای مسئله «برنامه‌ریزی و آموزش» اهمیت فراوانی قائل بوده و فراوان به این مسئله اشاره کرده است و در ادامه نیز با نگاهی به اصل کتاب نهج‌البلاغه، ترجمه آن، شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی و کتاب پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام از مکارم شیرازی، به بیان و تشریح برخی از مولفه‌های برنامه‌ریزی شامل علمی بودن، مقتدر بودن، زمان‌شناسی، نظم و انسجام داشتن، هدفمند بودن، بر مبنای عقل و تدبیر و اندیشه بودن، خدا محور بودن (نیت الهی داشتن)، فساد ستیز بودن و توسعه محور بودن در مدیریت جهادی اشاره شده است:

۴-۱- علمی بودن

ویژگی علمی بودن برنامه‌ریزی در نهج‌البلاغه به وضوح در تأکید بر عقلانیت، واقع‌گرایی و دوراندیشی نمایان است. امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ها و نامه‌های خود به اصولی چون تحلیل دقیق شرایط، شناخت نیازها و منابع، و پیش‌بینی پیامدها اشاره می‌کند. این رویکرد نه تنها به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده و شواهد تأکید دارد، بلکه به اهمیت همفکری و مشورت



با افراد صاحب نظر نیز اشاره می کند. با مراجعه به نهج البلاغه، می توان به چندین خطبه، نامه و حکمت دست یافت که به ویژگی علمی بودن برنامه ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۱ (خطبه متقین): «فَأَحْمَدُهُ حَمْدًا يُوَافِقُ عَظِيمَ رَحْمَتِهِ وَيُكَافِي مَزِيدَ نِعْمَتِهِ؛ فَإِنَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا؛ پس او را به حمدی می ستایم که شایسته ی رحمت عظیمش و متناسب با نعمت های بی پایانش باشد؛ زیرا او بر هر چیزی توانا است»: در این خطبه، امام علی علیه السلام به ویژگی های متقین و ضرورت تفکر و تدبیر در امور اشاره می کند. این تأکید بر تفکر عمیق و بررسی دقیق شرایط، نشانه ای از رویکرد علمی در برنامه ریزی است.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّفْقَ وَالشَّفَقَةَ عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ قَطَاعَ طَرِيقٍ... وَأَعْلَمُ أَنَّ الْمَشُورَةَ عَزْلَةٌ، وَأَنَّ الْمَشُورَةَ غَيْرُ مَجْرَةٍ لِلْعَاقِلِ...؛ ... و دل خود را به رفق و شفقت بر رعیت مملو کن، و چون در میان آن ها بودی، همچون درنده ای نباش که به آن ها حمله ور شود، و بر آن ها مثل دزدان نباش. و بدان که مشورت، عزت است، و مشورت جز برای عاقل نیست... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)»: در این بخش از نامه، امام علی علیه السلام به مالک توصیه می کند که در مدیریت امور مردم، به مشورت و استفاده از تجربه های دیگران توجه کند. این تأکید بر جمع آوری اطلاعات و بهره گیری از نظرات دیگران، ویژگی ای علمی در برنامه ریزی است.

حکمت ۱۳۵: «مَنْ جَمَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَمْرًا، فَلَيْسَ لَهُ عَقْلٌ، وَمَنْ يُعَجِّلَ قَبْلَ أَنْ يُفَكِّرَ، يَنْدِمُ؛ کسی که کاری را بدون فکر و تدبیر انجام دهد، عقلی ندارد و کسی که پیش از اندیشیدن و تفکر عمل کند، پشیمان خواهد شد (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵)»: در این حکمت، امام علی علیه السلام به اهمیت عقل و خردورزی در تصمیم گیری و برنامه ریزی اشاره می کند. او بر این نکته تأکید دارد که عقل باید محور همه تصمیمات باشد.

این مضامین، به نوبه خود، نشان دهنده توجه امام علی علیه السلام به ابعاد علمی و عقلانی در برنامه ریزی و مدیریت هستند؛ و به طور کلی می توان دریافت که نهج البلاغه، برنامه ریزی را به عنوان یک فرآیند علمی و منظم معرفی کرده که می تواند به تحقق اهداف بلندمدت و بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک کند.

۴-۲- مقتدر بودن

ویژگی مقتدر بودن برنامه ریزی در نهج البلاغه به وضوح در تأکید امام علی علیه السلام بر رهبری قوی و توانمندی مدیران نمایان است. ایشان در خطبه ها و نامه های خود به اهمیت اقتدار در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه ها اشاره می کند و بر این نکته تأکید دارد که یک مدیر باید با قدرت و قاطعیت در برابر چالش ها و مخالفان ایستادگی کند. اقتدار در برنامه ریزی به معنای داشتن چشم انداز روشن، اعتماد به نفس در تصمیم گیری و توانایی بسیج منابع و افراد برای تحقق اهداف است. در نهج البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی مقتدر بودن برنامه ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):



خطبه ۲۷: «... فَلَكُمْ النَّصِيحَةَ، وَلَكُمْ الْعُذْرَ، وَلَكُمْ الْبَيَانَ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ، لَا تَهَوَّنُوا فِي أَمْرِ أَمْرِكُمْ اللَّهُ، وَالْأَلَا تَكُونُوا كَالْمَصَائِدِ، إِنَّ اللَّهَ فَتَحَ لَكُمْ الْأَبْوَابَ، وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْحَقِّ مَعَالِمَ، فَأَعْتَبِرُوا مَا أَمَرْتُمْ بِهِ...؟! ... نصیحت من برای شماست و عذرخواهی من نیز برای شماست، و بیان من نیز برای شماست. خداوند به من فرمان داده است که بگویم، در مورد امری که خداوند به شما فرمان داده، سست نشوید و مانند طعمه‌ها نباشید. خداوند درها را برای شما گشوده و برای شما نشانه‌های حق را قرار داده است، پس به آنچه به شما فرمان داده‌اند، توجه کنید... (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)» در این بخش از خطبه، امام علی علیه‌السلام به ضرورت وجود قدرت و قاطعیت در رهبری و مدیریت اشاره می‌کند و تأکید دارد که مدیران باید با اقتدار و استحکام در برابر مشکلات و چالش‌ها ایستادگی کنند.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَاجْعَلْ لِلْمُسْتَشَارِينَ أَهْلَ النَّصْحِ، فَإِنَّ النَّصِيحَةَ مَفَاتِيحُ الْخَيْرِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْمَشَاوِرَةَ عَزِيْزَةٌ، وَأَنَّ الْمَشَاوِرَةَ مَجْرَةٌ لِلْعَاقِلِ... وَاعْلَمْ أَنَّ عَلَيْكَ أَنْ تَجْمَعَ أَمْرَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَشَاوِرَةِ...؟! ... و برای مشاوره، اهل نیکوکار را برگزین؛ زیرا نصیحت کلیدهای خیر است. و بدان که مشاوره، امری ارزشمند است و مشاوره، راهی برای عقل است... و بدان که بر تو واجب است که امور خود را جمع و سامان دهی، زیرا خداوند تو را به حکم و مشورت فرمان داده است... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)». در این بخش از نامه، امام علی علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که با قدرت و اقتدار بر امور مردم نظارت کند و از تصمیمات قاطع و مؤثر استفاده نماید. او همچنین بر اهمیت شفافیت و عدالت در اجرای برنامه‌ها تأکید دارد.

حکمت ۲۴۲: «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَىٰ وَ إِنْ قَلَّ، وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنْ رَقَّ؛ از خدا بترس به مقداری از پرهیزگاری، هرچند اندک باشد، و بین خود و خداوند پرده‌ای قرار ده، هرچند نازک باشد (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۲)». در این حکمت، امام علی علیه‌السلام به ضرورت قاطعیت در تصمیم‌گیری‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید که باید در برابر ناملایمات با اقتدار ایستادگی کرد تا برنامه‌ها به درستی به مرحله اجرا درآیند.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه‌السلام بر اقتدار و قاطعیت در برنامه‌ریزی و مدیریت هستند که می‌تواند به تحقق اهداف و ایجاد ثبات در جامعه کمک کند. در حقیقت، امام علی علیه‌السلام با اشاره به لزوم انسجام و هماهنگی در سازمان، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی مقتدرانه می‌تواند به ایجاد ثبات و امنیت در جامعه منجر شود و به رشد و پیشرفت کمک کند.

۴-۳- زمان‌شناسی

امام علی علیه‌السلام در سخنان خود بر لزوم شناخت زمان و موقعیت‌های مناسب برای اتخاذ تصمیمات تأکید می‌کند و به این نکته اشاره دارد که هر عمل و برنامه‌ریزی باید در زمان مناسب خود انجام شود تا نتایج مطلوب را به همراه داشته باشد. او با تأکید بر این که زمان و موقعیت‌های تاریخی باید به‌خوبی تحلیل شوند، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی مؤثر مستلزم درک عمیق از زمان و تغییرات آن است. همچنین، ایشان بر ضرورت پیش‌بینی شرایط آینده و آمادگی برای مواجهه با



چالش‌ها در زمان‌های مختلف تأکید دارد که این ویژگی زمان‌شناسی را در مدیریت و برنامه‌ریزی به‌خوبی نمایان می‌سازد. در نهج‌البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی زمان‌شناسی در برنامه‌ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۱۴۷: «... وَ إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، أَقَوْمٌ عَلَى حَاجَاتِكُمْ، وَ أُعْبِرُ عَنْ أَمَانَاتِكُمْ... فَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ، وَ احْتَسِبُوا فِي الْأَحْكَامِ، وَ كُونُوا أَهْلًا لِمَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ...؛ ... من بنده‌ای از بندگان خدا هستم که به نیازهای شما رسیدگی می‌کنم و امانت‌های شما را به دوش می‌کشم... پس در دین خود عمیق شوید و در احکام احتساب کنید و شایستگی آنچه را که بر عهده دارید، داشته باشید... (نهج‌البلاغه، بخشی از خطبه ۱۴۷)» در این بخش از خطبه، امام علی علیه‌السلام به اهمیت شناخت زمان و موقعیت‌ها برای اتخاذ تصمیمات مناسب اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که درک زمان می‌تواند به موفقیت در برنامه‌ریزی و مدیریت کمک کند.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَ أَعْلَمُ أَنَّ أَشْرَافَ النَّاسِ فِي الْمَشَارَكَةِ فِي الْأَمْرِ، وَ أَنْ تَجْمَعَ أُمُورَكَ عَلَى مَا يَكُونُ بِهِ الْمَصْلَحَةُ، وَ أَنْ تَتَفَقَّهُ فِي دِينِكَ... فَإِنَّ السَّاعَاتِ تَجْرِي بِنَفْسِهَا، وَ إِنَّمَا أَنْتَ الَّذِي تُعَجِّلُ وَ تُؤَخِّرُ فِي أُمُورِكَ...؛ ... و بدان که اشراف مردم در مشارکت در امور است و باید کارهایت را بر اساس آنچه به مصلحت است، جمع‌آوری کنی و در دینت عمیق شوی... زیرا ساعات به خودی خود می‌گذرد و تو هستی که در امور خود تسریع و تأخیر می‌کنی... (نهج‌البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)». در این بخش از نامه، امام علی علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که در اجرای امور و تصمیم‌گیری، زمان و شرایط را به دقت در نظر بگیرد و بر اساس آن برنامه‌ریزی کند.

حکمت ۲۲۶: «إِنَّمَا بُعِثَ الرَّسُلُ لِيُعَلِّمُوا النَّاسَ وَ أَسْبَابَ زَمَانِهِمْ، فَإِنَّ الزَّمَانَ يَغْفِرُ وَ يُؤَخِّرُ، وَ يُعَجِّلُ وَ يُبْطِئُ؛ همانا، پیامبران فرستاده شدند تا مردم را آگاه کنند و اسباب زمان خود را به آن‌ها بیاموزند؛ زیرا زمان می‌تواند به تأخیر اندازد و یا تسریع کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۶)». در این بخش از حکمت، امام علی علیه‌السلام به اهمیت شناخت زمان در انجام کارها اشاره می‌کند و می‌فرماید که باید در زمان مناسب، عمل کرد تا نتایج مطلوب حاصل شود.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه‌السلام بر زمان‌شناسی و ضرورت توجه به زمان و شرایط در برنامه‌ریزی و مدیریت هستند. پس می‌توان گفت که، با تفکر در بیانات امام علی علیه‌السلام، ویژگی زمان‌شناسی در برنامه‌ریزی اهمیت فراوانی دارد به اهمیت توجه به زمان و شرایط مناسب برای انجام امور اشاره می‌کند.

۴-۴- نظم و انسجام داشتن

امام علی علیه‌السلام بر این باور است که برای دستیابی به اهداف، باید برنامه‌ها به گونه‌ای منظم و با انسجام اجرا شوند تا از تداخل و بی‌نظمی جلوگیری شود. امام علی علیه‌السلام با اشاره به اهمیت تقسیم وظایف، تعیین مسئولیت‌ها و ایجاد ساختارهای منسجم، نشان می‌دهد که نظم و انسجام در برنامه‌ریزی نه تنها به بهبود کارایی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به



ایجاد ثبات و اعتماد در جامعه منجر شود. با این رویکرد، ایشان به ضرورت همکاری و هماهنگی بین افراد و گروه‌ها تأکید می‌کند تا از طریق انسجام، موفقیت‌های بیشتری در تحقق اهداف جمعی حاصل گردد. در نهج البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی نظم و انسجام در برنامه‌ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۱۵: «... و اجعلوا أمورکم علی النظام، فإن العبد إنما یؤدی ما أمر به...؛ ... و امور خود را بر اساس نظم و ترتیب قرار دهید، زیرا بنده تنها آنچه را که به او فرمان داده شده، انجام می‌دهد... (نهج البلاغه، بخشی از خطبه ۱۵)». در این بخش از خطبه، امام علی علیه‌السلام به اهمیت نظم و ترتیب در امور جامعه اشاره می‌کند و بر لزوم سازمان‌دهی مناسب در انجام وظایف تأکید دارد تا امور به خوبی پیش برود.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... و عامل الناس بما یؤدی الی اصلاح أمرهم، و اجعل لهم أوساطاً یؤدی الی إصلاح أمرهم، و اجعل أمورک علی نظام...؛ ... و با مردم به گونه‌ای رفتار کن که به اصلاح امورشان بیانجامد و برای آنان میانه‌هایی قرار ده که به اصلاح کارهایشان کمک کند و امور خود را بر اساس نظم و ترتیب قرار ده... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)». در این بخش نامه، امام علی علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که در مدیریت امور مردم، باید نظم و انسجام را رعایت کند و وظایف را به طور مشخص و منظم تقسیم کند تا هر فرد مسئولیت خود را به خوبی انجام دهد.

حکمت ۱۴۰: «و قال علیه السلام: ما عال من اقتصد، و ما أهلك من اعتدل؛ و فرمود: کسی که میانه‌روی کند، تهیدست نخواهد شد و کسی که به اعتدال عمل کند، هلاک نخواهد شد (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰)». در این حکمت، امام علی علیه‌السلام به اهمیت ایجاد ساختار و نظم در امور اشاره می‌کند و می‌فرماید که نظم در کارها باعث افزایش کارایی و بهره‌وری می‌شود و به تحقق اهداف کمک می‌کند.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه‌السلام بر نظم و انسجام در برنامه‌ریزی و مدیریت هستند؛ بنابراین، می‌توان با اطمینان گفت که ویژگی نظم و انسجام در برنامه‌ریزی در نهج البلاغه به وضوح در تأکید امام علی علیه‌السلام بر سازمان‌دهی و هماهنگی در امور اجتماعی و مدیریتی نمایان است که می‌تواند به موفقیت در اجرای برنامه‌ها منجر شود.

۴-۵- هدفمند بودن

ویژگی هدفمند بودن برنامه‌ریزی در نهج البلاغه به روشنی در تأکید امام علی علیه‌السلام بر تعیین اهداف مشخص و معین برای هر اقدام و تصمیم نمایان است. ایشان بر این باور است که هر برنامه‌ریزی باید با هدفی روشن و در راستای تحقق اهداف بلندمدت و ارزش‌های اساسی جامعه انجام شود. امام علی علیه‌السلام با اشاره به ضرورت هدف‌گذاری در مدیریت، به این نکته تأکید می‌کند که بدون وجود هدف، هرگونه تلاش و برنامه‌ریزی ممکن است به نتیجه مطلوب نرسد و به هدر رفتن منابع منجر شود. ایشان همچنین بر اهمیت ارزیابی مستمر اهداف و اصلاح مسیر در راستای تحقق آن‌ها تأکید دارد.



که این رویکرد هدفمند بودن را در برنامه‌ریزی به‌خوبی نمایان می‌سازد. در نهج‌البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی هدفمند بودن برنامه‌ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۳ (خطبه جهاد): «... إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ أَمْرٍ مَّا نَوَى...؛ ... همانا اعمال به نیت‌ها بستگی دارد و هر کسی فقط به آنچه نیت کرده است، خواهد رسید... (نهج‌البلاغه، بخشی از خطبه ۳)». در این بخش از خطبه، امام علی علیه‌السلام به اهمیت تعیین اهداف در جهاد و مبارزه برای تحقق عدالت و اصول انسانی اشاره می‌کند و بر لزوم هدف‌گذاری در فعالیت‌ها تأکید دارد.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَ لَكِنَّ أَشْرَفَ النَّاسِ عَلَى أُمُورِهِمْ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ عَلَى مَا يُؤَدِّي إِلَى مَصْلَحَتِهِمْ...؛ ... اما برترین مردم برای امورشان، کسانی هستند که کارهای خود را بر اساس آنچه به مصلحت آن‌ها می‌انجامد، جمع‌آوری کنند... (نهج‌البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)». در این بخش از نامه، امام علی علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که در مدیریت امور مردم، باید اهداف مشخصی را تعیین کند و برنامه‌ریزی خود را در راستای تحقق این اهداف قرار دهد.

حکمت ۸۰: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ؛ امام علی علیه‌السلام فرمود: حکمت گمشده مؤمن است، پس حکمت را بگیر، هرچند از اهل نفاق باشد (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۰)». در این حکمت، امام علی علیه‌السلام به اهمیت نیت و هدف در انجام کارها اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که هر عمل باید با هدفی مشخص و در راستای ارزش‌های نیکو صورت گیرد.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه‌السلام بر هدفمند بودن برنامه‌ریزی و ضرورت تعیین اهداف مشخص در مدیریت و فعالیت‌ها هستند. با این ویژگی، برنامه‌ریزی در نهج‌البلاغه به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی انسانی و اجتماعی معرفی می‌شود.

۴-۶- بر مبنای عقل و تدبیر و اندیشه بودن

برنامه‌ریزی بر مبنای عقل و تدبیر در نهج‌البلاغه به‌وضوح در تأکید امام علی علیه‌السلام بر استفاده از خرد و تفکر عمیق در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت امور نمایان است. ایشان به این نکته اشاره می‌کند که هرگونه برنامه‌ریزی باید بر اساس تحلیل دقیق شرایط و واقعیت‌ها صورت گیرد تا نتایج مطلوب به دست آید. امام علی علیه‌السلام بر لزوم تفکر در مراحل مختلف برنامه‌ریزی تأکید دارد و معتقد است که عقل و اندیشه باید در تمامی تصمیمات و اقدام‌ها راهنما باشند. همچنین، ایشان به اهمیت تدبیر در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها اشاره می‌کند و بر ضرورت استفاده از تجربه و دانش برای بهبود عملکرد و دستیابی به اهداف تأکید می‌کند. در نهج‌البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به برنامه‌ریزی بر مبنای عقل و تدبیر اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۱ (خطبه متقین): «... فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ لِيَعْبُدُوهُ، وَأَمْرُهُمُ بِالْتَّفَكُّرِ وَالتَّدْبِيرِ فِي أَمْرِهِ...؛ ... زیرا خداوند خلق را



برای عبادت آفرید و آنان را به تفکر و تدبیر در امور خود فرمان داد...» در این بخش از خطبه، امام علی علیه السلام به صفات متقین و اهمیت عقل و اندیشه در تصمیم‌گیری‌ها اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که باید در امور با تدبیر عمل کرد.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَ أَعْلَمُ أَنَّ أَشْرَافَ النَّاسِ فِي الْمَشَارِكَةِ فِي الْأَمْرِ، وَ أَنَّ تَجَمُّعَ أُمُورِكَ عَلَيَّ مَا يَكُونُ بِهِ الْمَصْلَحَةُ، وَ أَنَّ تَتَفَقَّهَ فِي دِينِكَ... فَإِنَّ السَّاعَاتِ تَجْرِي بِنَفْسِهَا، وَ إِنَّمَا أَنْتَ الَّذِي تُعَجِّلُ وَ تُؤَخِّرُ فِي أُمُورِكَ...» و بدان که اشراف مردم در مشارکت در امور است و باید کارهایت را بر اساس آنچه به مصلحت است، جمع‌آوری کنی و در دینت عمیق شوی... زیرا ساعات به خودی خود می‌گذرد و تو هستی که در امور خود تسریع و تأخیر می‌کنی... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳). در این بخش از نامه، امام علی علیه السلام به وضوح به مالک توصیه می‌کند که در مدیریت امور مردم، باید با عقل و تدبیر عمل کند و از مشورت با افراد خردمند بهره‌برداری نماید.

حکمت ۱۳۵: «مَنْ جَمَعَ عَلَيَّ نَفْسَهُ أَمْرًا، فَلَيْسَ لَهُ عَقْلٌ، وَ مَنْ يُعَجِّلُ قَبْلَ أَنْ يُفَكِّرَ، يَنْدَمُ.» ترجمه: «کسی که کاری را بدون فکر و تدبیر انجام دهد، عقلی ندارد و کسی که پیش از اندیشیدن و تفکر عمل کند، پشیمان خواهد شد (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵)». در این حکمت، امام علی علیه السلام به اهمیت عقل و خردورزی در اتخاذ تصمیمات تأکید دارد و می‌فرماید که عقل باید محور همه کارها باشد و در برنامه‌ریزی به کار رود.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه السلام بر عقل و تدبیر در برنامه‌ریزی و مدیریت هستند و اهمیت اندیشه‌ورزی را در اتخاذ تصمیمات مؤثر بازگو می‌کنند. این رویکرد عقلانی و تدبیرگرایانه، نهج البلاغه را به عنوان منبعی معتبر برای برنامه‌ریزی مؤثر و علمی و عاقلانه معرفی می‌کند.

۴-۷- خدا محور بودن (نیت الهی داشتن)

ویژگی خدامحوری و نیت الهی در برنامه‌ریزی در نهج البلاغه به تأکید امام علی علیه السلام بر ضرورت الهی بودن اهداف و نیت‌ها در هر اقدام مدیریتی و اجتماعی اشاره دارد. در واقع، ویژگی خدامحوری و نیت الهی در نهج البلاغه به وضوح در تأکید امام علی علیه السلام بر اهمیت نیت‌های پاک و هدف‌های الهی در تمامی اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها نمایان است. ایشان بر این باور است که هر عمل باید با نیت خالص برای خداوند انجام شود و هدف از فعالیت‌ها باید تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد. امام علی علیه السلام در سخنان خود به این نکته اشاره می‌کند که اگر نیت انسان در انجام کارها الهی باشد، حتی کوچک‌ترین اعمال نیز می‌تواند به ثواب و پاداش بزرگ منجر شود. این رویکرد خدامحور، برنامه‌ریزی و مدیریت را به عنوان ابزاری برای رسیدن به رضایت الهی و خدمت به جامعه معرفی می‌کند؛ به طوری که در تمام فعالیت‌ها، ارزش‌ها و اصول الهی مدنظر قرار گیرد. بدین ترتیب، نهج البلاغه به عنوان راهنمایی برای ایجاد تحول در زندگی فردی و اجتماعی بر اساس خدامحوری و نیت الهی عمل می‌کند. در نهج البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی خدامحوری و نیت الهی در برنامه‌ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):



خطبه ۳ (خطبه جهاد): «... إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ، وَيَتَّقَى بِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ أَنْ يَكُونَ الْأَمْرُ بَيْنَكُمْ شُورَى، وَأَنَّ الْبَاطِلَ مَرَارَةٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ نَجَاةٌ...؛ ... همانا امام مانند سپری است که پشت او جنگیده می‌شود و به واسطه او از خطرات محافظت می‌شود. خداوند در کتابش فرمان داده که امر میان شما باید بر اساس مشورت باشد و باطل تلخی است و حق نجات است... (نهج البلاغه، خطبه ۳)». در این خطبه، امام علی علیه السلام به اهمیت نیت الهی در جهاد و تلاش برای خداوند اشاره می‌کند و بر لزوم خدامحوری در تمامی فعالیت‌ها تأکید دارد.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّفْقَ وَالشَّفَقَةَ عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ قَطَاعَ طَرِيقٍ... وَأَعْلَمُ أَنَّ الْمَشُورَةَ عَزْلَةٌ، وَأَنَّ الْمَشُورَةَ غَيْرُ مَجْرَةٍ لِلْعَاقِلِ، وَأَنَّ النَّيَّةَ أَسَاسُ كُلِّ أَمْرٍ...؛ ... دل خود را به رفق و شفقت بر رعیت مملو کن و چون در میان آن‌ها بودی، همچون درنده‌ای نباش که به آن‌ها حمله‌ور شود و بر آن‌ها مثل دزدان نباش... و بدان که مشورت، عزت است و مشورت جز برای عاقل نیست و بدان که نیت، اساس هر کاری است... (نهج البلاغه، بخشی نامه ۵۳)». در این بخش از نامه، امام علی علیه السلام به مالک توصیه می‌کند که در مدیریت امور مردم، باید نیتش خالصانه و برای رضای خداوند باشد و برنامه‌هایش باید در راستای خدمت به جامعه و تحقق عدالت الهی باشد.

حکمت ۸۰: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ»؛ امام علی علیه السلام فرمود: حکمت گمشده مؤمن است، پس حکمت را بگیر، هرچند از اهل نفاق باشد (نهج البلاغه، حکمت ۸۰)». در این حکمت، امام علی علیه السلام به اهمیت نیت در انجام کارها اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که هر عملی باید با نیت خالص و الهی انجام شود تا به نتیجه مطلوب برسد.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه السلام بر خدامحوری و نیت الهی در برنامه‌ریزی و اقدامات مدیریت هستند و اهمیت این ویژگی‌ها را در تحقق اهداف بلندمدت و ارزش‌های انسانی نمایان می‌سازند. بنابراین، می‌توان گفت که نهج البلاغه، برنامه‌ریزی را به‌عنوان فرآیندی می‌داند که باید در آن خدامحوری و نیت الهی محور اصلی تصمیمات و اقدامات قرار گیرد تا به رشد و تعالی فردی و اجتماعی منجر شود.

۴-۸- فساد ستیز بودن

ویژگی فساد ستیزی در برنامه‌ریزی در نهج البلاغه به تأکید امام علی علیه السلام بر ضرورت پاک‌دستی و شفافیت در مدیریت امور اشاره دارد. ایشان به‌وضوح بر این نکته تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی و مدیریت باید بر اساس اصول اخلاقی و اسلامی انجام شود و هرگونه فساد و ناپاکی باید به شدت مورد محکومیت قرار گیرد. امام علی علیه السلام با بیان ضرورت نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان، بر این باور است که فساد نه تنها به‌نظام اجتماعی آسیب می‌زند، بلکه موجب سلب اعتماد مردم نیز می‌شود. از این رو، ایشان بر لزوم ایجاد سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از فساد و ترویج شفافیت در برنامه‌ها تأکید دارد. در نهج البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی فساد ستیزی در برنامه‌ریزی اشاره دارند (بحرانی،



۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، (۱۳۷۵):

خطبه ۲۷: «... فَإِنَّ أَشْبَاهَكُمْ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِ الْجِهَادِ، وَ أَنْتُمْ تَحْمِلُونَ أَثْقَالَكُمْ، وَ أَحْوَجُكُمْ... فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَكُمْ بِالْعَدْلِ وَ قَدْ نَهَاكُمْ عَنِ الظُّلْمِ...؛ ... همانا کسانی از شما که از جهاد بازمانده‌اند، در حالی که بارهای خود را به دوش می‌کشند و نیازمندی‌های خود را دارند... زیرا خداوند شما را به عدالت فرمان داده و از ظلم نهی کرده است... (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)».

در این بخش از خطبه، امام علی علیه‌السلام به اهمیت عدالت و پاک‌دستی در مدیریت اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که هرگونه فساد و نادرستی باید مورد نفی و مبارزه قرار گیرد. ایشان بر لزوم نظارت و پاسخگویی در مدیریت تأکید دارد.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِنَّكَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَسْتَفِيدَ لَهُمْ خَيْرًا، فَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّفْقَ وَ الشَّفَقَةَ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا... وَ اجْعَلْ لَهُمْ قَضَاءً عَدْلًا، وَ أَنَّ النَّاسَ أَعْضَاءٌ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحَافِظَ عَلَيَّ عَظِيمٍ فَلْيَحْتَسِبْ...؛ ... و اما پنجم اینکه اگر می‌خواهی برای آن‌ها خیر و نیکی به ارمغان آوری، در دل‌هایشان رفق و شفقت را بکار بگیر و نگذار به مانند درنده‌ای بر آن‌ها حمله‌ور شوی... و برای آن‌ها قضاوتی عادلانه قرار بده و بدان که مردم مانند اعضای یکدیگر هستند و هر کس که بخواهد بر عظیم‌ترین چیزها محافظت کند، باید در نظر داشته باشد... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)».

در این بخش از نامه، امام علی علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که در مدیریت امور مردم، باید از فساد دوری کند و با شفافیت و صداقت عمل نماید. ایشان بر لزوم نظارت بر رفتار کارگزاران و جلوگیری از فساد تأکید دارد.

حکمت ۱۹۵: «... وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ...؛ ... و فرمود: کسی که شکر نگوید، نباید تو را از انجام کار نیک بازدارد... (نهج البلاغه، بخشی از حکمت ۱۹۵)».

در این حکمت، امام علی علیه‌السلام به اهمیت پاک‌دستی و اجتناب از فساد اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که فساد، موجب سلب اعتماد مردم و تضعیف نظام اجتماعی می‌شود.

این مضامین نشان‌دهنده تأکید امام علی علیه‌السلام بر فساد ستیزی و ضرورت پاک‌دستی در برنامه‌ریزی و مدیریت هستند که می‌تواند به تحقق عدالت و رفاه عمومی کمک کند. در واقع می‌توان گفت که این ویژگی، هدف اصلی برنامه‌ریزی را خدمت به مردم و تحقق عدالت اجتماعی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که در نهج البلاغه، برنامه‌ریزی با اصول اخلاقی و فساد ستیزی گره خورده است.

۴-۹- توسعه محور بودن

ویژگی توسعه محور بودن برنامه‌ریزی در نهج البلاغه به تأکید امام علی علیه‌السلام بر اهمیت رشد و پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف اشاره دارد. ایشان بر این باور است که برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که نه تنها نیازهای فوری جامعه را برطرف کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و تعالی جامعه نیز باشد. امام علی علیه‌السلام با تأکید بر علم و دانش، به ضرورت ارتقاء سطح آگاهی و توانمندی‌های افراد جامعه اشاره می‌کند و می‌فرماید که مدیران باید در برنامه‌ریزی‌های خود به بهبود شرایط



اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه داشته باشند. در نهج البلاغه، چندین خطبه، نامه و حکمت به ویژگی توسعه محور بودن برنامه ریزی اشاره دارند (بحرانی، ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵):

خطبه ۲۷: «... فَإِنَّهُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجْهَدُوا فِي مَا يُصْلِحُ أَمْوَالَكُمْ وَيُحَسِّنُ أحوَالَكُمْ...»؛ ... پس بر شما واجب است که در آنچه اموال شما را اصلاح می کند و احوال شما را بهبود می بخشد، جهاد کنید... (نهج البلاغه، بخشی از خطبه ۲۷). در این بخش از خطبه، امام علی علیه السلام به ضرورت توجه به رشد و پیشرفت جامعه اشاره می کند و بر اهمیت ایجاد شرایط مناسب برای توسعه اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد.

نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر): «... وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّفْقَ وَالشَّفَقَةَ عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قَضَاءً عَدْلًا، وَأَعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ أَعْضَاءٌ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحَافِظَ عَلَى عَظِيمٍ فَلْيَحْتَسِبْ وَيُحَسِّنْ أحوَالَهُمْ...»؛ ... و دل خود را به رفق و شفقت بر رعیت مملو کن و برای آن ها قضاوتی عادلانه قرار بده و بدان که مردم مانند اعضای یکدیگر هستند و هر کس که بخواهد بر عظیم ترین چیزها محافظت کند، باید در نظر داشته باشد که احوال آن ها را بهبود بخشد... (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳). در این بخش از نامه، امام علی علیه السلام به مالک توصیه می کند که در مدیریت امور مردم، باید به توسعه و بهبود وضعیت معیشتی و فرهنگی مردم توجه کند و برنامه ریزی های خود را در راستای ارتقاء سطح زندگی جامعه قرار دهد.

حکمت ۴۳: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزَكِّي نَفْسَهُ فَلْيُحَسِّنْ أحوَالَ النَّاسِ، فَإِنَّ مَنْ لَمْ يُحَسِّنْ أحوَالَ النَّاسِ فَقَدْ أَسَاءَ إِلَى نَفْسِهِ...» و فرمود: کسی که می خواهد خود را پاک کند باید احوال مردم را بهبود بخشد، زیرا کسی که احوال مردم را بهبود نبخشد، به خود آسیب می زند... (نهج البلاغه، حکمت ۴۳). در این حکمت، امام علی علیه السلام به اهمیت علم و دانش به عنوان ابزارهای کلیدی برای توسعه و پیشرفت اشاره می کند و بر لزوم استفاده از ظرفیت های انسانی برای ارتقاء جامعه تأکید دارد.

این مضامین نشان دهنده تأکید امام علی علیه السلام بر توسعه محور بودن برنامه ریزی و ضرورت توجه به رشد و پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف هستند. در واقع می توان گفت که این ویژگی، نشان دهنده این است که در نهج البلاغه، برنامه ریزی نه تنها به عنوان یک ابزار مدیریتی، بلکه به عنوان وسیله ای برای تحقق آرمان های انسانی و دینی در جهت ترقی و شکوفایی جامعه مورد توجه قرار می گیرد. بدین ترتیب، نهج البلاغه برنامه ریزی را به عنوان فرآیندی می داند که باید در آن رشد و توسعه همواره در نظر گرفته شود.

بحث و نتیجه گیری

وجود مدیران متعهد و متخصص در جوامع اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است و تأکید بر استفاده از شیوه های مدیریتی متناسب با فرهنگ و ارزش های اسلامی را می طلبد. در این راستا، امام علی علیه السلام به عنوان الگوی برجسته مدیریت جهادی شناخته می شود و بررسی مولفه های این مدیریت در نهج البلاغه می تواند به تربیت مدیران کارآمد کمک کند.



هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی مولفه‌های برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج البلاغه است که می‌تواند به توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی منجر شود.

امام علی علیه‌السلام در بیانات خود بر اهمیت برنامه‌ریزی تأکید دارد و ویژگی‌های آن را شامل علمی بودن، مقتدر بودن، زمان‌شناسی، نظم و انسجام، هدفمند بودن، و خدامحوری می‌داند. همچنین، ایشان به فساد ستیزی و ضرورت پاک‌دستی در مدیریت اشاره می‌کند و بر این باور است که برنامه‌ریزی باید بر اساس اصول اخلاقی و اسلامی انجام شود. این رویکرد نه تنها به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند بلکه به ایجاد اعتماد در جامعه نیز می‌انجامد.

در نهایت، ویژگی توسعه محور بودن برنامه‌ریزی در نهج البلاغه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها نیازهای فوری جامعه را تأمین کند بلکه به رشد و پیشرفت پایدار نیز کمک کند. با توجه به ارزش‌های مطرح شده در نهج البلاغه، می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد مدیریتی امام علی علیه‌السلام به‌عنوان یک منبع معتبر برای مدیران و پژوهشگران در زمینه مدیریت اسلامی محسوب می‌شود که می‌تواند در عصر حاضر نیز راهگشای چالش‌های مدیریتی باشد.

با توجه به مطالب مطرح شده پژوهش، پیشنهاداتی برای مولفه‌های برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج البلاغه می‌توان ارائه داد و به بهبود مدیریت کمک کرد که برخی از این پیشنهادات به شرح زیر است:

- (۱) برنامه‌ریزی باید با نیت خالص برای خداوند و در راستای تحقق ارزش‌های اسلامی انجام شود. مدیران باید همواره اهداف خود را با معیارهای اخلاقی و انسانی همسو کنند.
- (۲) مدیران باید در برنامه‌ریزی‌های خود از عقل و تفکر عمیق بهره‌گیرند و شرایط موجود را به‌دقت تحلیل کنند. این امر شامل شناخت نیازها و منابع، پیش‌بینی پیامدها و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر داده‌های واقعی است.
- (۳) برنامه‌ریزی باید با اقتدار و قاطعیت همراه باشد. مدیران باید توانایی لازم برای اتخاذ تصمیمات مؤثر و ایستادگی در برابر چالش‌ها را داشته باشند تا ثبات و امنیت را در جامعه ایجاد کنند.
- (۴) شناخت زمان و شرایط مناسب برای اجرای برنامه‌ها امری حیاتی است. برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای انجام شود که در زمان مناسب و با توجه به موقعیت‌های تاریخی به اجرا درآید.
- (۵) تقسیم وظایف و تعیین مسئولیت‌ها باید به‌طور منظم و هماهنگ انجام شود. ایجاد ساختارهای منسجم و سازمان‌دهی مناسب می‌تواند به بهبود کارایی و اعتماد در جامعه کمک کند.
- (۶) هر برنامه‌ریزی باید اهداف مشخص و معین داشته باشد. مدیران باید به‌طور مستمر اهداف خود را ارزیابی کنند و در صورت نیاز، مسیر را اصلاح نمایند تا به نتایج مطلوب برسند.
- (۷) برنامه‌ریزی باید بر اساس اصول اخلاقی و اسلامی باشد و هرگونه فساد و ناپاکی باید به شدت مورد محکومیت قرار گیرد. ایجاد سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از فساد، فسادستیزی و ترویج شفافیت در برنامه‌ها ضروری است.



۸) برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که نه تنها نیازهای فوری جامعه را برطرف کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و تعالی جامعه نیز باشد. توجه به بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از الزامات این مولفه است. این پیشنهادات می‌تواند به تقویت و بهبود برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت جهادی کمک کند و به تربیت مدیران متعهد و متخصص در جوامع اسلامی منجر شود.



منابع:

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن میثم بحرانی، (۱۳۷۹)، «شرح نهج البلاغه»، به ترجمه محمدی مقدم، دفتر نشر الکتب، تهران.
- ۴- احمدزاده. سیدمرتضی، حسنی. مجتبی، کریم پور. محمد مهدی، طاهری جانبازلو. حمیدرضا، و کمیلی فرد. سیدمجتبی، (۱۳۹۴)، «درآمدی بر مدیریت جهادی»، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- ۵- اقتداری. علی محمد، (۱۳۹۲)، «سازمان و مدیریت: سیستم و رفتار سازمانی»، چ ۴۱، انتشارات مولوی.
- ۶- انصاری راد. علی اکبر، (۱۳۹۳)، «مفهوم شناسی مدیریت جهادی»، تارنمای تبلیغات اسلامی، بخش دین و فرهنگ، ش ۱۷۱۳۴۶.
- ۷- باقری. مسلم، جاجرمی زاده. محسن، کیانی. مهرداد، (۱۳۹۳)، «طراحی و تبیین الگوی تصمیم گیری مدیران جهادی»، نشریه چشم انداز مدیریت دولتی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۸- بانکی پور فرد. علیرضا، (۱۳۹۴)، «مدیریت جهادی»، انتشارات حدیث راه عشق، اصفهان.
- ۹- راغب اصفهانی. حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، «المفردات فی غریب القرآن»، چ ۱، نشر صادق.
- ۱۰- رشیدی اقدم. محمود، ترابی خالدی. حمیدرضا، عزیززاده. محمود، (۱۳۹۹)، «طراحی و تبیین الگوی مدیریت جهادی»، فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، سال دهم، شماره ۳۹.
- ۱۱- رضاییان. علی، (۱۳۹۸)، «اصول مدیریت»، چاپ ۲۹، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۲- شریعتمداری. مهدی، (۱۳۸۸)، «اصول و مبانی مدیریت (مدیریت عمومی)»، انتشارات کوهسار.
- ۱۳- عباسی بختیاری. رضا، زیویار. فرزاد، صلاحی. فریبا، و دانشور. امیر، (۱۴۰۰)، «مدیریت جهادی از دیدگاه نهج البلاغه»، مجله رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره اول، شماره ۴.
- ۱۴- عبدی. بهنام، طاهری هشی. علی (۱۳۹۴)، «مفهوم‌پردازی مدیریت جهادی در پرتو قرآن کریم»، مجله مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۱۸.
- ۱۵- عظیم‌زاده اردبیلی. فائزه، (۱۳۸۶)، «تنوری مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)»، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۰.
- ۱۶- علیپور. حامد، رئیسی نرگسان. زهرا، (۱۳۹۶)، «بررسی مدیریت جهادی در اسلام (مدیریت اسلامی)»، اولین همایش سالانه مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران.
- ۱۷- کریم‌زاده. طاهر (۱۳۹۳)، «شاخصه‌های مدیریت جهادی از منظر مقام معظم رهبری»، مجله معارف، شماره ۱۰۷.
- ۱۸- لطفی. کاظم، (۱۳۹۱)، «مدیریت و روابط عمومی»، نشر دیجیتال مدیریار، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، اصفهان.
- ۱۹- مجلسی. محمدباقر، (۱۳۱۵ ه.ق)، «بحار الانوار»، ۱۱۰ جلد، انتشارات دارالکتب، نشر اول.



- ۲۰- محمدی ری شهری. محمد، (۱۳۸۹)، «میزان الحکمه»، مترجم: شیخی، حمیدرضا، ناشر: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم.
- ۲۱- مصطفوی. حسن، (۱۳۷۱)، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۲۲- معین. محمد. (۱۳۷۵)، «فرهنگ فارسی معین: ذیل واژه جهاد»، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۳- مکارم شیرازی. ناصر، (۱۳۷۵)، «پیام امام امیرالمومنین علیه السلام»، نشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۴- نعمتی. دل آرا، (۱۳۹۳)، «مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۱.



Investigating planning components in Jihadi management system from the point of view Nahjolbalaqe

MohammadReza Amini ¹

1- Responsible author, third level student of Imam Hossein Seminary, Tehran

Abstract

Every society, in accordance with the culture in which it exists, needs committed and expert managers for its progress and development; In the meantime, the West uses non-Islamic and Western management methods; However, our country is based on Islamic Jihadi culture and by using Islamic principles and rules and revolutionary culture, it uses Jihadi management method. Among the obvious examples of Jihadi management in the early history of Islam, we can mention the management method of Imam Ali (peace be upon him); This method is always a suitable model for Jihadi managers. Jihadi management in Nahjolbalaqe refers to a set of features and management principles that were formed based on the teachings of Imam Ali (peace be upon him). In this research, by taking a close look at Nahjolbalaqe, one can understand the components of Jihadi management. Among the variables of Jihadi management, according to the valuable statements of Imam Ali (peace be upon him), we can mention managerial duties including planning, organization, leadership and performance control; However, in the present study, the main goal is to familiarize and recognize the planning components in Jihadi management in Nahjolbalaqe; The main question is: What are the planning components in the Jihadi management system from the point of view of Nahjolbalaqe? With a general look at the research findings, this result is obtained that: from the point of view of Nahjolbalaqe, the components of planning in Jihadi management are: being God-centered, being scientific, being powerful, timing, orderliness in work, being purposeful, etc.

Keywords: Component, Planning, Management, Jihadi Management, Nahjolbalaqe.